

مقایسه تطبیقی تفاوت‌های رفتاری شهرهای حلب و دمشق در برابر اتابکان زنگی از سال ۴۸۸-۵۴۹

مهدی محمدی^۱

چکیده

حلب و دمشق در جایگاه مهم‌ترین شهرهای شمال و جنوب شام، رفتاری متفاوت در قبال صلیبیان داشتند. حلب مدتی پس از شروع جنگ‌های صلیبی کوشید تا با دیگر حکومت‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی متحد شود، درحالی‌که دمشق تا سال ۵۴۹ در برابر این همگرایی مقاومت کرد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این دوگانگی رفتار شهرهای شمال و جنوب شام است. نویسنده با بررسی زمانمند (Chronologic) و بررسی آماری رویدادهای تاریخی به این نتیجه رسیده است که افزایش ناامنی داخلی و خارجی برای حلب این شهر را به موقعیتی رساند که جز همگرایی با هر حکومت اسلامی چاره‌ای دیگر نداشت. حکومت دمشق به دلیل ثبات داخلی، محاصره نبودن به دست صلیبیان و جلوگیری از غارت انبارهای غذایی خود توانست مدت بیشتری استقلال خود را حفظ کند، اما با افزایش ناامنی در دمشق، سرانجام این شهر مانند حلب ناچار به پذیرش حکومت زنگیان شد.

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین المللی اهل بیت. m.mohamadi.abu@gmail.com

واژگان کلیدی: جنگ‌های صلیبی، ناامنی، دمشق، حلب، اتابکان زنگی.

مقدمه

جنگ‌های صلیبی در شرایطی در شام رخ داد که شهرهای حلب و دمشق پس از مرگ تتش بن آلب ارسلان در رقابتی میان جانشینان او به سر می‌بردند. ترسی که حکام سلجوقی شام از تتش داشتند باعث شد واگرایی میان رضوان و دقاق افزایش یابد تا فرزندان تتش مانند او راه سرکوبی امرای شام را در پیش نگیرند. بدین ترتیب اختلاف سیاسی به بخشی از راهبرد امرای شام برای حفظ حکومت خود تبدیل شد. ولی این تشتت به خصوص در شمال شام تضعیف کلی قوای مسلمانان را به همراه داشت. هنگامی که شوالیه‌های صلیبی خود را به شام رساندند با مقاومتی جدی روبه‌رو نشدند. شمال شام به مرکزیت حلب، از سمت شمال - کنت نشین رها - و از سمت غرب - کنت نشین انطاکیه - با صلیبیان همسایه بود. توسعه قلمرو این کنت نشینان به سمت شرق و جنوب، حلب را در محاصره قرار داد. به‌گونه‌ای که راه مواصلاتی حلب با جزیره و جنوب شام مدام در معرض تهدیدات صلیبیان بود. غارت‌های متعدد در توابع حلب مانند اثارب، قحطی و پس از آن بیماری‌های همگیری به وجود آورد که اوضاع را بیش از پیش برای حلب دشوار نمود. پس از مرگ رضوان و بحران جانشینی او، بی‌ثباتی شدیدی بر شمال شام سایه انداخت. در این شرایط مردم حلب از هر نیروی اسلامی که بتواند آن‌ها را در برابر صلیبیان یاری کند استقبال نمودند. کمک از امرای موصل، ارتقیان و حکام دمشق راه موقتی بود. در نهایت تنها راه برون‌رفت از این بحران برای شمال شام حکومت اتابکان زنگی بود.

اما این شرایط برای دمشق مسیر دیگری را طی نمود. حضور صلیبیان در بیت المقدس

و غرب گسل سراسری^۱ شام سبب شد تا دمشق تنها از سمت غرب با صلیبیان همسایه باشد و از این رو مانند حلب در محاصره آن‌ها قرار نگرفت. علاوه بر آن دمشق به تدبیر اتابک مدبر خود، طغتکین توانست ثبات بسیار بیشتری نسبت به حلب را تجربه نماید. از این رو هرچند از غارت‌ها و حملات صلیبیان متضرر شد، اما مانند حلب در شرف سقوط قرار نگرفت. بدین ترتیب صلیبیان اگرچه به دمشق حمله کردند اما چندان باعث ناامنی جنوب شام نشدند که به هر قدرت مسلمانی متوسل شوند. ناامنی برای دمشق، عمادالدین زنگی بود که تقریباً از دهه سوم قرن ششم، برنامه منسجمی برای فتح دمشق در پیش گرفت. لطماتی که عمادالدین به دمشق وارد کرد بیش از چهل سال مبارزه آن‌ها با صلیبیان بود. با مرگ عمادالدین زنگی، نورالدین محمود سیاستی مسالمت‌آمیز در قبال دمشق در پیش گرفت. در این زمان تهدید صلیبیان در جنگ دوم صلیبی و فتح عسقلان، دمشق را در شرایط ۳۰ سال پیش حلب قرار داد. اینگونه شهری که بیش از ۱۵ سال در برابر عمادالدین مقاومت نمود، خود از فرزند وی، نورالدین دعوت کرد حکومت دمشق را به دست گیرد.

این مقاله به دنبال بررسی زمانمند تأثیر ناامنی بر رفتار سیاسی شهرهای حلب و دمشق است. نویسنده برای پرداختن به این مسئله از روش تاریخی (Chronologic) بهره گرفته است تا تغییر رفتار هر شهر را در بازه زمانی ۴۸۸ تا ۵۴۸ موضوع بررسی قرار دهد. روش تاریخی (Chronologic) با تکیه بر گاه‌شماری، رویدادهای خاصی را موضوع بررسی قرار می‌دهد تا در یک بازه زمانی بتواند تغییرات مسئله مورد توجه را ارزیابی کند. (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۹)

از آن جاکه تغییر رفتار مردمان این دو شهر در این بازه زمانی دغدغه اصلی این پژوهش است، نویسنده تلاش کرده تا با توجه به زمان و رویدادهایی که در هر سال اتفاق افتاده

۱. گسل سراسری شام (Dead Sea Rift) گسلی فعال ناشی از سایش صفحه جزیره‌العرب و صفحه آفریقا است که از دریای سرخ آغاز شده و تا کوه‌های طوروس ادامه دارد.

است، تغییرات رفتار این دو شهر را ارزیابی نموده و بر اساس تفاوت زمانی در این تغییرات بتواند به مقایسه‌ای عینی پردازد. جغرافیا به منزله مهم‌ترین عامل در تفاوت رفتار دو شهر در قبال حملات صلیبیان در نظر گرفته شده است. برای بررسی زمینه (Context) جغرافیایی، موقعیت مکانی و میزان بارش مرکز توجه قرار گرفته‌اند، زیرا در محاصره شهرها و قحطی‌ها و بیماری‌های همه‌گیر شهرها تأثیر مستقیم داشت. از این رو ابتدا به بررسی جغرافیای شهرها به عنوان زمینه مؤثر بر رفتار متغیرها پرداخته می‌شود، سپس روند تاریخی وقایع به صورت زمانمند موضوع بررسی قرار می‌گیرد.

در این مقاله تلاش شده برای نشان دادن تغییرات از داده‌های کمی استفاده شود. عنصر ناامنی برای هر شهر، میزان تهاجمات نظامی، غارت منابع غذایی، قحطی‌ها و بیماری‌های همه‌گیر در نظر گرفته شده که به صورت کمی سنجیده شده است. داده‌های کمی از طریق مقایسه رویدادها میان منابع دسته اول گزینش شده‌اند. اما در مورد مسائل داخلی هر شهر تواریخ محلی داده‌هایی را در بردارند که تواریخ عمومی مانند الکامل یا تواریخ سلسله‌ای مانند التاریخ الباهر و مفرج الکروب از آن بی‌بهره‌اند. برای قحطی‌ها و بیماری‌های همه‌گیر در حلب بر داده‌های ابن عدیم در کتاب‌های زبده الحلب و بغیه الطلب تکیه شده است، زیرا نکات منحصربه‌فردی دارند. صحت این داده‌ها از طریق قرائت تاریخی و تقدم و تأخر علی و معلولی سنجیده شده است؛ بدین ترتیب که مورخ غارت‌ها را علت قحطی و قحطی‌ها را علت بیماری‌های همه‌گیر دانسته است. در روایات ابن عدیم عامل سنجش بیماری و قحطی در تعاقب غارت‌ها بررسی شده است. برخی قحطی‌ها نیز به صورت فراگیر در شام پدید آمد که در تواریخ محلی دو شهر و تواریخ عمومی گزارش آن موجود است. در روایات مربوط به دمشق به گزارش‌های ابن قلانسی اتکا شده است، زیرا نویسنده در آن سال‌ها در دمشق حضور داشته و نسبت به سایر روایات تاریخی مستندتر است. افزون بر آن نویسنده برای کم یا زیاد نوشتن قحطی‌ها و بیماری‌ها برای ابن قلانسی انگیزه‌ای پیدا

نکرده است. در باب گزارش‌های مربوط به جنگ‌ها نیز جزئیات بیشتری را نسبت به دیگر منابع در اختیار می‌گذارد.

مسئله این پژوهش در زبان فارسی مرکز توجه قرار نگرفته است. شاید نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به مسئله این مقاله، آثار خاکرند و محمدی (بهار ۱۳۹۵) و (زمستان ۱۳۹۵) باشد که عموماً شمال شام را مد نظر داشته‌اند. مودت (بهار و تابستان ۱۳۹۷) ذیل پرداختن به احداث حلب به برخی زمینه‌های مشترک در تغییر رفتار مردم حلب اشاره نموده، اما مشخصاً جریان احداث شام یا جریان‌های مذهبی شام (۱۳۹۷) را مد نظر داشته است. زمانی محجوب و بادکوبه هزاوه (۱۳۹۱) نیز تشیع در حلب را بررسی کرده‌اند و از این جهت مقاله مودت شبیه کار آن‌ها است؛ اما به مقایسه رفتار دو شهر پرداخته‌اند. شاید نزدیک‌ترین کار به این مقاله کتاب شنقیطی (۲۰۱۶) است که روابط شیعه و سنی در این بازه زمانی را بررسی کرده؛ اما زمینه‌های جغرافیایی و اجتماعی را بررسی نکرده است و اساساً به دنبال مقایسه رفتار مردم شهر متأثر از یک جریان واحد (ناامنی در شام) نیست.

در این مقاله عامل تغییر رفتار برای دو شهر، جغرافیا دانسته شده است. جغرافیای هموار حلب در مرزهای طوروس امکان دسترسی بیشتر برای صلیبیان را فراهم نمود. درحالی‌که دمشق در پناه کوه‌ها موقعیت امن‌تری داشت و امکان محاصره برای آن کمتر پدید آمد. ناامنی ناشی از غارت‌ها و در پی آن قحطی‌ها و بیماری‌ها ناشی از مراتع عواصم و فلسطین بود. پس هم در موقعیت شهرها و هم در تأمین منابع غذایی جغرافیا چونان عاملی مهم حضور دارد. صلیبیان برای حلب و دمشق و اتابکان زنگی برای دمشق، علت ناامنی در نظر گرفته شده‌اند. مصادیق ناامنی نیز تهاجم نظامی، قحطی و بیماری در نظر گرفته شده است.

زمینه جغرافیایی حلب و شمال شام

حلب فاصله زیادی از دریا نداشت و متأثر از فشار جنب حاره‌ای نبود که در جنوب شام قویا وجود داشت.^۱ از این رو با بارش‌های مدیترانه‌ای مرتباً سیراب می‌شد. این بارش دو مزیت خاص برای شهر حلب به ارمغان آورده بود: نخست آب شهر از این باران تأمین می‌شد (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۲/۲۰۹) و در هنگام محاصره شهر از آن بهره می‌گرفتند. در منابع تاریخی با وجود محاصره‌های متعدد حلب با وجود گزارش متعدد گرسنگی و قحطی در شهر گزارشی از تشنگی نیست. دوم کشت دیم فراوانی که در اطراف شهر انجام می‌شد^۲ و غذای شهر را تأمین می‌نمود. (قزوینی، ۱۹۹۸: ۱۸۳) رود قویق و رود ذهب کشتزارها را سیراب می‌کرد. (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۲/۲۰۹؛ قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۰۸) با وجود این هنگام محاصره، امکان دسترسی به منابع غذایی خود در بیرون از شهر را نداشت. با قطع شدن درختان، وضعیت شهر بحرانی‌تر می‌شد؛ چنانکه در محاصره حلب به وسیله دبیس با قطع درختان کار بر مردم بالاگفت. (الغزی، ۱۴۱۹: ۷۶/۳) موقعیت شهر نیز درون گودی بود و مانند دمشق باروری طبیعی نداشت. در زمان صلح مراودات بازرگانی با آناتولی مقداری از آذوقه و کمبودهای شهر را تأمین می‌کرد. (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۲/۲۰۹) بندر طبیعی حلب، لاذقیه بود که مهم‌ترین ارتباط بندری حلب محسوب می‌شد که پیش از حضور صلیبیان در شام توسط آن‌ها از سمت دریا تصرف شد. (کاهن، ۱۳۹۲: ۲۱۸) در توابع حلب شهرها و قلایع وجود داشت که از جهت کشاورزی، راهبردی و تجاری اهمیت داشتند.^۳ هر یک از این شهرها هنگامی که در مناسبات مسلمانان و صلیبیان قرار گرفتند، مستقیماً بر حلب تأثیر گذاشتند. فاصله اندک این توابع امکان انتقال مواد غذایی به حلب را فراهم می‌کرد و درعین حال تسلط دشمن بر آن‌ها حلب را در محاصره قرار می‌داد. هر یک از شهرها و توابع اطراف حلب به خصوص

۱. فشار جنب حاره‌ای سیستم فعال در اطراف مدار راس السرطان و رأس الجدی است که از تشکیل ابر و ریزش باران جلوگیری کرده و بیابان‌های دینامیک را پدید می‌آورد. (ر.ک. درش، ۱۳۷۳: ۴۳)

۲. از جمله محصولات دیم حلب پنبه، کنجد، خربزه، خیار، انگور، زردآلو، سیب و انجیر بود. (قزوینی، ۱۹۹۸: ۱۸۳)

۳. برای اطلاع بیشتر از توابع حلب (ر.ک: مقدسی، ۱۳۶۳: ۲۱۷/۱)

در قسمت غرب از تولیدات کشاورزی و باغی برخوردار بودند. حارم با دارا بودن منابع آبی کافی از کشاورزی زیاد و باغ‌های انار پررونق برخوردار بود موقعیت این بلد به اندازه تولیدات آن مهم بود. این شهر در راه انطاکیه به حلب واقع شده بود. (بروسوی، ۱۴۲۷: ۲۸۶) از این رو، در مناسبات صلیبیان و مردم حلب نقش مهمی داشت. معره نعمان به کثرت میوه، زیتون، پسته و انجیر معروف بود (ابن عدیم، بی تا: ۱۲۷/۱ قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۷۲) اثارب در عین بهره زارعی مانند حارم، ارتاح^۱ و زردنا^۲ از نقاط راهبردی برای حلب به شمار می‌رفت. (سمعانی، ۱۹۶۲: ۱۱۱/۱) اعزاز با خاکی حاصلخیز، از کشاورزی خوبی برخوردار بود. (قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۲۱) تنها کفرطاب به دلیل نداشتن نهر تنها متکی بر باران بود. (قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۴۸) این امر سبب شکنندگی این منطقه در برابر غارت‌ها می‌شد. در نگاهی کلی به حلب و توابع آن می‌توان دریافت که در زمانی که شمال شام در دست یک حکومت بود، از برکات کشاورزی و تجاری زیادی برخوردار بود اما هنگامی که حکومت‌های متخاصمی در اطراف آن حضور داشتند عرصه برای آن تنگ می‌شد. دهه اول قرن ششم چنین حالتی برای حلب رخ داد. پیوستگی حلب با جزیره در شمال عراق از جهت شرق، کوه‌های طوروس در اناطولی از جهت شمال، گسل شام از سمت غرب و پهنه هموار شام از سوی جنوب بود. تصرف سریع رها و انطاکیه به دست شمال و پس از آن تصرف شهرهای غرب حلب مانند معره النعمان، این قصبه را از دو جهت شمال و غرب در تنگنا قرار داد. توسعه کنت نشین رها به سمت جنوب و مرزهای جزیره، عملاً ارتباط حلب را با سرزمین‌های اسلامی شرق را قطع نمود. (ابی شامه، ۱۹۹۱: ۱/۱۳۸)

زمینه جغرافیایی دمشق و جنوب شام

دمشق مانند در شرق گسل شام قرار داشت. در سمت شمال شکستگی پالمیرا در

۱. قلعه محکمی از توابع حلب. (ابن عبدالحق بغدادی، ۵۱/۱۱۴۱۲)

۲. شهرکی در غرب حلب. (یاقوت حموی، ۱۳۶/۳۱۳۸۰)

نزدیکی بعلبک دیواری محکم برای حفظ شهر ایجاد کرده بود. در اطراف دمشق نیز کوهستان جبال قرار داشت که مروج حاصل خیز را به عنوان منابع غذایی در اختیار شهر قرار می داد. افزون بر آن در سمت جنوب حوران و در سمت شمال ریفیه در حکم انبار غذایی دمشق بودند. نزدیکی حوران به دمشق (قزوینی، ۱۹۹۸: ۱۸۵) دسترسی به آن را برای مردم دمشق راحت می کرد. حوران در کنار غوطه، بثنیه، جولان، بقاع، حوله شش روستای دمشق را تشکیل می داد. (مقدسی، ۱۳۶۳: ۲۱۷/۱) اما اهمیت غذایی حوران مانند بقاع و غوطه زیاد بود. حوران و قصبه اش بصری (حازمی، بی تا: ۸۸) به کثرت آبادی ها و محصولات زراعی معروف بود. (بروسوی، ۱۴۲۷: ۳۰۲) از این رو در سه دهه اول جنگ های صلیبی این منطقه بیش از سایر مناطق در معرض تهدیدهای صلیبیان قرار گرفت. حکومت دمشق برای حفاظت از آن بارها با صلیبیان رویارو شد و حتی طغتکین برای صیانت از آن مجبور به باج دادن گردید. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۷۳) غیر از حوران ریفیه، در سمت بانیاس - شمال دمشق - (مقدسی، ۱۳۶۳: ۷۹/۱) در معرض تهاجمات گسترده صلیبیان بود. اما به همان میزان که این سرزمین ها در معرض خطر صلیبیان بود، حکومت دمشق نیز می توانست با حمله به قصبات اردن مانند طبریه، (ر.ک: مقدسی، ۱: ۱۳۶۳/۲۱۷) یا طرابلس - پس از فتح آن در سال ۵۰۳ به دست صلیبیان - صلیبیان را تحت فشار قرار دهند. غارت شمس الملوک در سال ۵۲۸ در ناصره، طبریه و عکا چندان مؤثر بود که تا چند مدت از غارت صلیبیان در سرزمین های مسلمانان گزارشی نیست و صلیبیان مایل به برقراری صلح شدند. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۸۵)

آشوب سیاسی پس از سلجوقیان و زمینه ناامنی اجتماعی

اولین ورود ترکمانان به شام در امتداد تاخت و تازهای بود که ترکمانان مستقل از سلجوقیان انجام داده و غارات زیادی را متوجه شام کردند. (زکار، ۱۹۹۵: ۱۲۷/۱) به

دنبال ورود ترکمانان، سپاه سلجوقی هم به قصد سرکوب ترکمانان و هم رویارویی با فاطمیان راهی مصر شد. (ر.ک: مقریزی، بی تا: ۲/۲۳۰) تنش مهم‌ترین حاکم سلجوقی در شام بود. بنا بر ملاحظات دربار سلجوقی، شمال شام و جنوب آن میان قسیم الدوله آق سنقر و تنش تقسیم شد. (ر.ک: زنگی، ۱۹۹۳: ۱۹؛ ضامن، ۱۹۸۸: ۱۹۱) این امر به ریشه اختلافات آتی سلجوقیان در شام تبدیل شد که سرانجام در سال ۴۸۷ با قتل امرای شمال شام به دست تنش، وی حکمران بلامنازع شام شد. تسلط تنش بر شام نیز چندان به طول نینجامید. وی در نبرد با برکیارق کشته شد و فرزندان وی به حلب فرار کردند. (بنداری، ۲۵۳۶: ۹۶) فرزند ارشد وی رضوان امیر حلب شده و کوشید برادران خود را از میان بردارد. تنها دقاق توانست از مهلکه جان برد برده و با کمک امرای شام مانند امیر ساوتکین حکومت دمشق را تصرف کند. (قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۱۳) از این زمان - ۴۸۷ ه.ق - تا سال ۵۴۹ ه.ق که اتابکان دقاق حکومت را به نورالدین واگذار کردند، جنوب شام به رهبری دمشق از شمال شام به رهبری حلب مستقل بود.

شهر حلب افراد قدرتمندی داشت که وادار کردن آن‌ها به اطاعت، برای رضوان میسر نبود. این افراد از اقبشار متفاوتی مانند نظامیان ترک، وزیران، فرمانده ترکمانان، حکام شهرهای همسایه و رؤسای جمعیت‌های احداث بودند. از هنگام به قدرت رسیدن رضوان تا ورود صلیبیان به شام، در منطقه شمالی شام ۱۱ نفر در قامت افراد تأثیرگذار در مناسب سیاسی شمال شام دیده می‌شوند که عبارت‌اند از: رضوان، سکمان، یاغیسیان، جناح الدوله حسین، یوسف بن آبق، مِجَن رئیس احداث حلب، دقاق، طغتکین اتابک دقاق، نجم‌الدین ایلغازی، اعراب شیرز و بنی کلاب و امیر قراچه حاکم حَرَّان^۱. آن‌ها از سال ۴۸۸ ه.ق تا ۴۹۰ ه.ق ۱۶ بار با یکدیگر جنگ نموده و اتحادهایی علیه یکدیگر تشکیل دادند که غالباً عمر این اتحادها زیاد نبود و پس از

۱. غیر از افراد یادشده، اشخاصی چون ابوالقاسم وزیر نیز در مناسبات سیاسی حضور داشتند اما چون منش N جنگ نبوده و در نبردها عامل مهمی نبودند شمارش نشدند.

مدتی با دشمنان خود علیه یکی از دوستان قبلی، وارد اتحاد می‌شدند. این امر باعث تفرقه سیاسی و نامنی منطقه ابعاد گوناگون گردید و پشتوانه‌های نظامی و اقتصادی این قسمت از شام را در آستانه ورود صلیبیان دچار تزلزل نمود.^۱ تلاش ضوان برای قتل بردارانش سبب شد تا دفاق به دمشق فرار کرده و با همراهی امرای شام، بتواند حکومتی مستقل در آنجا برپا کند. (ر.ک: ابن عدیم، ۱: ۳۳۹/۱۴۲۵)

رضوان اندکی پس از تسلط بر حلب درگیر جنگ‌های داخلی و خارجی شد. در این دو سال ۱۱ مورد جنگ خارجی و ۵ مورد درگیری و چالش داخلی برای حلب و شهرهای شمالی شام روی داد. در ۵ مورد از نبردهای خارجی، دشمن، دمشق و حکام آن بود که تنها ۱ مورد از آن در اطراف دمشق صورت گرفت که خرابی زیادی نیز به بار نیاورد. سایر نبردهای رضوان با بردارش در نواحی شمالی شام صورت گرفت که به معنای ویرانی در شمال شام بود. از مجموع این ۱۶ نبرد ۹ مورد آن ثمری برای گروه‌های متخاصم نداشت از این هر یک از طرف به دنبال متحدی قوی‌تر بود تا جایی که امکان اتحاد رضوان با خلیفه فاطمی نیز مطرح شد. (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲: ۱۵۸/۵؛ کردعلی، ۱۴۰۳: ۱/۲۴۴) این امر سبب شد تا پای ترکمانان ارتقی به مسائل سیاسی و نظامی باز شود. ترکمانان با رفتار خشن خود پیش از این در غارت‌های خود در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن پنجم هجری، سبب ویرانی‌های زیادی شده بودند. اکنون ورود آن‌ها به مناسبات حلب - دمشق باعث تشدید ویرانی‌ها گردید. در مدت این ناآرامی‌ها، کشاورزی به علت غارت‌های مزارع با رکود مواجهه شد. (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۰/۲۴۷؛ ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۴۲) این امر با تهاجمات صلیبیان و غارت‌های آن‌ها در منطقه سبب گردید تا قحطی‌های متعددی در شهرهای شمالی پدید آید. در مجموع ناآرامی‌های پس از به قدرت رضوان، مایه تضعیف بنیه نظامی و اقتصادی شام و نامنی در نواحی شمالی

۱. از آن جمله میتوان به اقطاع معره به سکمان و درگیری‌های بین فرمانروایان محلی بر سر آن اشاره نمود. (ر.

ک. جندی، ۱۹۹۴: ۱/۱۴۲)

شد.

به دلیل نبود قدرت برتر نظامی در منطقه، کشمکش‌های حکومت‌های مسلمان منطقه ادامه یافت و این امر هرج و مرج سیاسی را تشدید نمود. با گذر زمان از سال ۴۸۸ ه.ق تا سال ۵۲۱ ه.ق واحدهای قدرت شام در درگیری‌های مداوم با یکدیگر، واحدهای قدرت جزیره و صلیبیان تضعیف شده و از صحنه سیاست حذف شدند. بدین ترتیب طی این ۳۳ سال از تعداد حکومت‌های مسلمان منطقه کاسته شده و زمینه برای ایجاد حکومتی مقتدر فراهم شد. (ر.ک: خاکرند و محمدی، بهار ۱۳۹۵: ۳۰) تا به قدرت رسیدن اتابکان زنگی، مسلمانان شمال شام از سال ۴۸۸ ه.ق تا سال ۵۲۱ ه.ق ۶۲ ناآرامی را تجربه نمودند که ۳۴ مورد از آن ناآرامی‌های داخلی و ۲۸ مورد آن درگیری‌های خارجی بود. از سال ۴۸۸ تا سال ۵۲۱ از تعداد درگیری‌های خارجی کاسته شده و در مقابل ناآرامی‌های داخلی افزایش میابد. عدم وجود حاکم قوی موجب افزایش بی‌نظمی و در نتیجه تشدید هرج و مرج داخلی برای شهرهای شمال شام گردید به نحوی که در خلال سال‌های ۵۰۸ و ۵۱۷ تا ۵۲۱ ه.ق بعضاً فرمانروایی در حلب حضور نداشت و مردم آن از فرمانروایان جزیره و دمشق خواستند تا از حلب در برابر صلیبیان محافظت نمایند. در این مدت نیز قضات شهر به کمک جمعیت‌های احداث از شهر مراقبت نمودند. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۸۷، ۳۹۰، ۴۱۲، ۴۲۱)

مشکلات جانشینی در حلب

رضوان پس از مرگ پدر خود بر ماترک شمالی وی تسلط یافت حکومت وی تا سال ۵۰۷ ه.ق شامل حلب و نواحی اطراف آن می‌شد. سرزمین رها نیز در ابتدا از آن وی بود اما پس از آن فردی از مردم آنجا بر وی شورید و کمی بعد این شهر تسلیم بالدوین صلیبی شد. (رانسیمان، ۱۳۸۶: ۱/۲۷۱) حکومت ۱۹ ساله رضوان نسبت به دوران پدر وی اقتدار اندکی داشت. اختلاف وی با برادرش باعث شد نه تنها قدرتی یکپارچه

تشکیل ندهند و منافع یکدیگر را به رسمیت نشناسند، بلکه هنگام ورود صلیبیان به شام علیه دقاق با آنها متحد گردند. گرایشات اسماعیلی وی و عدم توان دفاع از شهر حلب (ر.ک: ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۳۰) باعث گردید که حکومتی متزلزل برای اخلافش برجای بگذارد. رانده شدن جماعت احداث^۱ از گرد وی و عدم لیاقت جانشینانش در جمع آوری گروه‌های مجاهد مردمی به زوال این حکومت کمک نمود. آلب ارسلان بن رضوان ۱ سال و سلطان‌شاه بن رضوان ۳ سال بر حلب حکومت کردند. با مرگ سلطان شاه، مردم حلب از ترس صلیبیان شهر را به نجم‌الدین ایلغازی تحویل دادند. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۸۴/۱) بدین ترتیب حکومت ۲۳ ساله سلجوقیان شام، شاخه حلب برچیده شد. حکومت آلب ارسلان بن رضوان در حلب تنها باعث فساد بیشتر در شهر شد. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۷۶/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۰۵/۹) در طول حکومت وی نیز رئیس حلب و اتابک دمشق طغتكین شهر را برای وی مدیریت نمودند. پس از وی نیز رؤسای حلب مانند لولو یا شهر را اداره نمودند، چراکه سلطان شاه تنها ۶ سال داشت. در این مدت کشاکش میان افراد قدرتمند چنان بالا گرفت که یکدیگر را به قتل رساندند. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۸۳/۱) در سال ۵۱۱ ه.ق ایلغازی بن ارتق به درخواست مردم حلب و ترس آنها از صلیبیان وارد حلب شد. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۸۴/۱) حکام ارتقی حلب ۴ نفر بودند که میانگین حکومت هر یک از آنها کمتر از دو سال بود. تنها تمرتاش بن ایلغازی بود که از طریق توارث به حکومت رسید آن هم پس از سلیمان بن عبدالجبار و بلک بن بهرام. غیر از ایلغازی سایر اخلاف وی در حلب تقریباً کمتر از ۱ سال حکومت نمودند و پس از آن حکومت حلب را به حکام جزیره واگذار نمودند.

سلیمان بن عبدالجبار دو سال پس از حکومت تمرتاش تنها چند ماه بر حلب حکومت نمود. پس از آن ابراهیم بن رضوان شهر را در دست گرفت (ابن عدیم، بی تا:

۱. گروه‌های فتنان و عیاران را در این مقطع زمانی در شام احداث مینامیدند.

۳۲۱۶/۷) و دوباره به حکام موصل واگذار شد. حلب پس از مرگ رضوان آشفته‌ترین دوران خود را تجربه نمود. طی ۱۴ سال از سال ۵۵۰۷.ق / ۱۱۱۳.م. تا سال ۵۵۲۱.ق / ۱۱۲۷.م. ۱۱ حاکم بر این منطقه حکومت نمودند؛ یعنی به طور متوسط هر فرد کمتر از یک سال و سه ماه. (خاکرند و محمدی، بهار ۱۳۹۵: ۱۹) تنها با به قدرت رسیدن عمادالدین زنگی در سال ۵۵۲۱.ق / ۱۱۲۷.م ثبات به این منطقه راهبردی شام بازگشت. تنها عمادالدین و فرزندش نورالدین ۴۸ سال بر این منطقه حکومت نمودند که دو برابر دوره ۱۱ حاکم قبلی آن‌ها بود (خاکرند و محمدی، بهار ۱۳۹۵: ۲۰) و تا حد زیادی به این علت توانستند در مقابل صلیبیان دستاوردهای چشمگیری داشته باشند. غیر از عمادالدین و فرزندش تنها مسعود بن برسقی بود که از طریق توارث قدرت را در این شهر به دست گرفت که آن نیز چند ماهی بیشتر بر این شهر حکومت نکرد. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱ / ۴۲۹)

رفتار خشن ارتقیان در حلب و اتکای آن‌ها بر ترکمانان موجب تضعیف بنیه اقتصادی حلب شد؛ برای مثال هنگام محاصره حلب به دست بلک بن بهرام در سال ۵۵۱۷.ق مزارع شهر منهدم شد و این امر سبب قحطی‌های وسیع در سال‌های بعد شد. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱ / ۴۱۴) علاوه بر آن از آنجاکه ارتقیان متکی بر ترکمانان بودند برای مخارج آن‌ها نیاز به غارت داشتند و البته باید مد نظر داشت که همه فرمانروایان ارتقی لیاقت ایلغازی و بلک بن بهرام را در امور نظامی نداشتند و بدین سبب در تأمین مخارج آن‌ها از راه جنگ ناتوان بودند بدین سبب در تأمین امنیت حلب در برابر صلیبیان ناتوان بوده و غالباً فرمانروایان ارتقی در شهرهای خود مانند میافارقین یا ماردین بودند و از حلب دوری می نمودند؛ چنانکه تمرتاش بن ایلغازی حتی زمان محاصره حلب به دست صلیبیان و دیس حاضر به مراجعت از ماردین نشد. بدین ترتیب درگیری‌های مسلمانان با یکدیگر، ناآرامی‌های داخلی، تغییر مکرر و زود هنگام فرمانروایان، حملات مکرر صلیبیان به شمال شام و قحطی و بیماری موجب ناامنی

شدید گردید.

صلیبیان و محاصره حلب

صلیبیان از زمان ورودشان به شمال شام در سال ۴۹۰ه.ق تا سال ۵۲۱ه.ق ۱۰۳ بار با مسلمانان رویارویی نظامی پیدا کردند که به طور متوسط بیش از ۳ نبرد در سال است. که از این تعداد نبرد در ۶۴ مورد کامیابی با آنها و تنها در ۲۹ مورد پیروزی با مسلمانان بود. ۱۰ نبرد نیز بدون این که نتیجه ای عاید طرفین شود خاتمه یافت. در کنار این مبارزات با صلیبیان - که غالب درگیری های مسلمانان در این زمان بود - درگیری های بین مسلمانان و ناآرامی داخلی شهر نیز مزید علت ناامنی در منطقه بود. این امر سبب ناامنی گسترده در منطقه شد. در مدت مبارزات صلیبیان در شمال شام آبادی های شرق، شمال و غرب حلب به تسخیر آنها درآمد و ۲۵ بار شهر حلب مستقیماً تهدید شد که در ۶ مورد شهر محاصره شد. در مواردی از این محاصره ها مانند محاصره های سال ۵۱۸ه.ق به بعد مدت زمان طولانی شهر در حصار آنها بود. (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶۱۰/۱۰) در اثر این جنگها مناطق حاصلخیز حلب مانند اعزاز و اثارب از دست مسلمانان خارج شد (زکار، ۲۰۰۷: ۳۳۹) و این ضربه مهمی به اقتصاد و معیشت آن بود. چنانکه درباره غارت اثارب اینگونه نوشته اند: با گرفتن اثارب حلب به ضعفی بزرگ دچار شد. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۶۷/۱) علاوه بر آن حملات صلیبیان رها به قبایل ترکمان و کرد و غارت گله های آنها دست مردم حلب را از منابع غذایی قبایل کوتاه نمود. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۴۱۴/۱) پیروزی های مسلمانان در این زمان بیشتر به دست ترکمانان و به رهبری ارتقیان صورت پذیرفت (ر.ک: سبط بن عجمی، ۱۴۱۷: ۱۹۴/۱) ارتقیان در استفاده از این پیروزی ها ناکام بودند. این امر سبب شد تا امنیت شهر در برابر صلیبیان در چند مرحله با دادن باج نقد و تسلیم مناطقی به شوالیه های رها و انطاکیه برقرار گردد.

غارات صلیبیان با تسخیر طرابلس در سال ۵۵۰۳ ق. شدیدتر شده و نواحی حمص را نیز در بر گرفت. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۶۴) در سال ۵۱۸ ه. ق همکاری میان دیبس و صلیبیان موجب تخریب شدید شهر و مزارع آن شده و بعد از آن قحطی سال قبل شدت بیشتری یافت. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۴۲۲/۱) بدین ترتیب روند تضعیف حلب، مردم آنجا را به سمتی جهت داد تا از هر حکومت قوی مسلمانی استقبال نمایند؛ چنانکه در سال ۵۰۸ از طغتكین، در سال ۵۱۲ ه. ق از ایلغازی ۵۱۸ ه. ق از آق سنقر برسقی (الغزی، ۱۴۱۹: ۷۶/۳) و در ۵۲۲ ه. ق عمادالدین زنگی استقبال نموده و شهر را در اختیار وی قرار دادند. از میان این افراد عمادالدین توانست امنیت را برای مدت نسبتاً طولانی برای شام فراهم آورد.

زمینه‌های اجتماعی، قحطی و بیماری

از سال ۴۸۸ ه. ق تا ۵۲۱ ه. ق تعداد ۱۴ قحطی، بیماری و غارت مزارع گزارش شده است؛ یعنی به طور میانگین تقریباً هر دو سال قحطی، بیماری یا غارت مزارع صورت گرفت. در این بازه زمانی ۹ قحطی پدید آمد که ۶ مورد آنها قحطی‌های شدیدی بود که این الفاظ برای آن‌ها استفاده شده است: «أكل... المیتات و الدّواب، شدة الغلاء و الجوع بحلب، حتّى أكلوا المیتات». (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۵۰/۱، ۳۵۲، ۳۸۵، ۴۱۴، ۴۲۲؛ ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۳۸) در میان این قحطی‌ها ۳ مورد گزارش وبا وجود دارد که باعث مرگ و میر زیاد گردید. تعداد قحطی‌ها و شدت آن‌ها از سال ۵۱۷ ه. ق تا ۵۲۰ ه. ق شدیدتر شد. کاهش جمعیت در شمال شام طی روندی از کشتارها، مرگ و میرهای ناشی از بیماری و قحطی و مهاجرت مردم به سایر نواحی صورت گرفت. در سال‌های ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۳، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۱۴، ۵۱۷، ۵۱۸ و ۵۲۰ ه. ق گزارش این وقایع آمده است. سال ۴۸۸ ه. ق ویران کردن مزارع رها به دست لشکر رضوان. (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۴۷/۱۰) ۴۹۰ و ۴۹۱ ه. ق قحطی در انطاکیه به خاطر محاصره طولانی شهر به

دست صلیبیان و پس از آن کربوقا. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۵۰) ۴۹۱ ه. ق قحطی شدید در حلب تا جایی که مردم به خوردن مردار و رو آوردند. دلیل این امر غارات صلیبیان در منطقه و درگیری‌های داخلی و خارجی حکومت‌های مسلمان منطقه بود. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۵۲) ۴۹۳ ه. ق قحطی در حلب چنان زیاد شد که هیچ چیز در آن کشت نشد و پس از آن وبا در میان آن شایع شد و اعراب تلفات زیادی دادند که باعث خالی شدن آبادی‌ها گردید. این امر به دلیل چرانیدن دام در مزارع معرّه، کفر طاب، حماة، شیزر، الجسر و سایر شهرها به دست بنی کلاب و سایر اعراب بود. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۵۶ و ۳۵۷) ۵۰۲ ه. ق شدت گیری گرسنگی در میافارقین به دلیل محاصره شهر به دست سکمان. (ابن فلانسی، ۱۹۸۳: ۲۶۳) ۵۰۳ ه. ق کاهش جمعیت در حلب و قحطی در آن به دلیل غارت‌های تانکرد در اطراف حلب و کشتار کشاورزان و اسیر کردن خانواده‌های آنها. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۶۸) تهدید نهاد خانواده مسلمانان را می‌توان یکی از عوامل مهاجرت مردم به سایر مناطق و کاهش جمعیت دانست. در سال ۴۹۳ ه. ق تعداد زیادی از مسلمانان به خاطر حمله صلیبیان متواری شدند. (العظیمی به نقل از زکار، ۱۹۹۵: ۱۱/۵۱۷۰) چنانکه رضوان به دلیل کاهش جمعیت در آبادی‌های حلب را به قیمت ارزان فروخت تا از مردم دلجویی نموده و آنها را دعوت نماید تا در شهر بمانند. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۶۸) در سال ۵۰۸ نیز لولو رئیس حلب آبادی‌های زیادی در حلب را فروخت تا پول آن را صرف مخارج نظامی شهر کند. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۷۸) ناامنی، قحطی و بیماری، کاهش جمعیت و جنگ‌های متعدد موجب شکنندگی اوضاع حلب گردید؛ به نحوی که در یک خشکسالی شهر دچار قحطی می‌گردید؛ نظیر آنچه در سال ۵۱۱ ه. ق رخ داد. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱/۳۸۵) در شرایطی که راه‌های تجاری به وسیله صلیبیان تهدید می‌گردد امکان آوردن مواد غذایی از سایر نواحی نیز کار نسبتاً دشواری بود. از سوی دیگر شهرهایی مانند عزاز و اثارب که منابع غذایی حلب بودند، در این زمان به تصرف صلیبیان درآمده بودند در

نتیجه حلب از منابع غذایی خود نیز محروم بود.

در سال ۵۱۴ ه. ق جوسلین غلات را جمع نمود و کشاورزان مسلمان را غارت و مصادره نمود و آنچه از نقره تا احص بود را به آتش کشید و مردم آن را کشت و اسیر نمود. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱ / ۳۹۸) در سال ۵۱۵ ه. ق غلات غرب حلب دوباره به دست صلیبیان طعمه حریق شد. علاوه بر غارت غله و آتش زدن محصولات کشاورزی غارت قبایل و گرفتن چارپایان ترکمانان و قبایل کرد منبع غذایی دیگری را از دسترس مسلمانان خارج نمود. در سال ۵۱۷ ه. ق جوسلین ده هزار راس از دامهای ترکمانان و کردها را غارت کرد آن هم در شرایطی که حلب به واسطهٔ ترکتازی‌های بلک بن بهرام دچار قحطی شدید شده بود. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱ / ۴۱۴) یا ضعف بیشتر حکومت‌های مسلمان شمال شام به ویژه حلب، غارت‌های صلیبیان به سمت حلب توسعه یافت چنانکه در سال ۵۲۰ ه. ق بالدوین مزارع حلب در اطراف رود قویق را نابود کرد. (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۱ / ۴۲۲) در کنار غارات صلیبیان در شمال شام، ترکتازی ترکمانان نیز لطمات زیادی نیز به حلب وارد نمود. حضور بلک بن بهرام بن ارتق از سال ۵۱۷ ه. ق در عرصه نظامی منطقه، موجی از قحطی را بر اثر ویرانگری‌های وی به دنبال داشت. غارت‌های وی در اطراف حلب و خرتبرت موجب قحطی وسیعی در شمال شام شد که تا اواخر سال ۵۱۸ ه. ق حلب و رجه را تحت تأثیر شدید خود قرار داد. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۳۸)

ثبات در جنوب شام

در حالی که شمال شام از ورود سلجوقیان تا ورود عمادالدین زنگی دوران پر آسوبی را تجربه نمود، دمشق و نواحی جنوبی توانستند روزگاری با ثبات‌تر به خود بینند. از سال ۴۸۸ که دقاق در دمشق حکومت را در دست گرفت تا زمانی که خاندان اتابکان وی در سال ۵۴۹ منقرض شدند ۶ نقر در دمشق حکومت نمودند. در این ۶۱

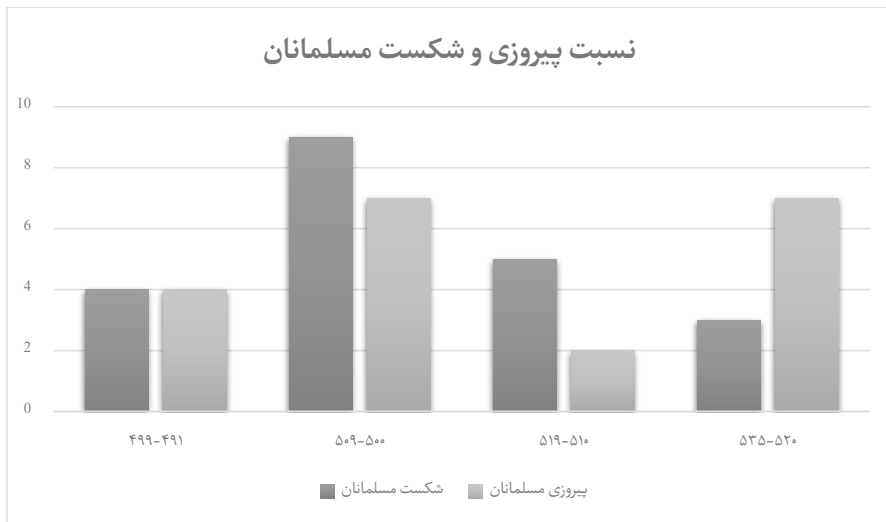
سال (۴۸۸-۵۴۹) به طور میانگین هر حاکم دمشق تقریباً ۱۰ سال حکومت نمود.^۱ این خود ثبات بالایی برای یک حکومت در قرون میانه است. آخرین فرد سلسله بوریان- مجیرالدین ابق - ۱۵ سال حکومت کرد. (ابن واصل، ۱۳۸۳: ۱۷۲/۱) این در حالی است که اوضاع حلب بسیار آشفته بود. پس از رضوان حکام زیادی به مدت اندک در این شهر به قدرت رسیدند. این تعویض پی در پی فرمانروایان خود علت و معلول درگیری‌های داخلی نیز بود. این در حالی بود که در دمشق به دلیل ثبات سیاسی زمینه‌های کمتری برای تشتت درون حکومتی پیش می‌آمد. در ابتدا طغتکین افرادی از جمله ساوتکین که معارض حکومت وی بودند را از عرصه قدرت حذف نمود و توانست با تدبیر خود هم مردم را از خود راضی نموده و هم اعیان شهر را با خود همراه سازد. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۱۴) زمانی نیز که دمشق به وسیله حکومت وحشت شمس‌الملوک مستعد آشول و حتی واگرایی شد، (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۸۹) با خرد اشراف شهر و با کمک مادر شمس‌الملوک، صفوة‌الملک، او را به قتل رسانده و مانع از ایجاد تشتت در شهر شدند. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۸۹)

با این حال دمشق از سال ۴۸۸ تا سال ۵۴۹ شاهد درگیری‌هایی با سایر قدرت‌های مسلمان بود. پیش از آن‌که تهدید عمادالدین زنگی برای دمشق جدی شود - پیش از سال ۵۲۹-۱۷ نبرد با مسلمانان برای دمشق پیش آمد. غالب این نبردها برای توسعه و تثبیت حکومت دمشق بود. از این رو تا پیش از عمادالدین دمشق نسبت به حلب در مقابله با سایر مسلمانان موفق‌تر عمل کرد. اما این روند در برابر صلیبیان به این اندازه موفقیت آمیز نبود. ظهور عمادالدین در عرصه قدرت شام، تأثیری چندگانه بر دمشق گذاشت. از یک سو حملات گسترده عمادالدین باعث تضعیف صلیبیان در شمال شد و این خود بیشتر آن‌ها را در حالت دفاعی قرار داد؛ در نتیجه تهدید آنها برای دمشق نیز کمتر شد. از سوی دیگر تلاش عمادالدین برای تصرف جنوب شام

۱. برای اطلاع بیشتر ر. ک. (محمدی قناتغستانی، ۱۳۹۳: ۷۳-۹۴)

سبب شد تا زنگیان به بزرگ‌ترین تهدید برای دمشق تبدیل شود.

هرچند دمشق توانست سال‌ها در برابر صلیبیان مقاومت کند و مانند حلب به بحران جدی دچار نشود، روند رویارویی آن‌ها با صلیبیان به گونه‌ای بود که غالباً لطمه دیده و در ضعف قرار گرفتند و برای نجات خود گاه به باج‌دادن نیز متوسل می‌شدند.



توجه به روند رویارویی‌های مسلمانان دمشق و صلیبیان نشان می‌دهد در دهه دوم جنگ‌های صلیبی، بدترین شرایط برای دمشق رقم خورد. این در حالی بود که با به قدرت رسیدن زنگیان، موقعیت دمشق در برابر صلیبیان بهبود یافت، هرچند خود زنگیان عامل تضعیف دمشق بودند.

عمادالدین عامل ناامنی دمشق

عمادالدین ۱۴ بار با حکومت دمشق جنگید. از آنجاکه دمشق قوی‌ترین حکومت شام بود، از این ۱۴ نبرد، ۸ ناکامی عاید زنگیان شد. با این حال فشار عمادالدین بر دمشق بسیار فرساینده بود. عمادالدین زنگی ۴ بار در سال‌های ۵۲۹ و ۵۳۳ ق و دو مرتبه در

۵۳۴ ق دمشق را محاصره کرد ولی در هیچ‌یک موفق نبود. همراهی جماعت احداث با حاکمان بوری، سبب شد تا عمادالدین در محاصره دمشق ناکام باشد. (خاکرند و محمدی، زمستان ۱۳۹۵: ۲۰۴-۲۰۵) کشتاری که وی هنگام پیروزی در بعلبک انجام داد، مردم دمشق را از عاقبتی مشابه ترساند؛ ازاین‌رو با تمام توان در برابر او ایستادگی کردند. (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۹۴/۱۱) تلاش عمادالدین برای مبارزه با دمشق منجر به این شد تا حکومت دمشق هزینه زیادی برای بازپس‌گیری شهرهایی نماید که عمادالدین از آن‌ها گرفته بود. عمادالدین در سال ۵۲۳ ق حماه را تصرف کرد، ولی در سال ۵۲۷ ق دمشقیان آن را بازپس گرفتند. عمادالدین پس از دو مرتبه ناکامی در تصرف حمص در سال‌های ۵۲۳ و ۵۳۱ ق؛ سرانجام در سال ۵۳۲ ق توانست آن را تصرف کند. در همین سال او توانست مجدل، بانیا و سلمیه را از دمشق بگیرد، ولی در سال ۵۳۴ ق آل بوری دوباره بر بانیا مسلط شد. شهر مهم بعلبک نیز در سال ۵۳۳ ق از دمشق گرفته شد. با وجودی که مقاومت دمشق در برابر ماشین جنگی زنگیان با موفقیت‌هایی همراه بود اما در نهاست ویرانی زیادی نسبب دمشق گردید. این ۱۴ جنگ تلفات زیادی از آنان گرفت و خسارات فراوانی بر ایشان وارد کرد و جانشینان عمادالدین منتظر ماندند تا زخم‌های دوران پدرشان، آل بوری را از پا درآورد. نورالدین محمود زنگی با وجودی که بوریان بعلبک را در سال ۵۴۱ تصرف کردند تا سال ۵۴۹ خویشتن داری کرد. ساسیت نورالدین بر آن بود تا بتواند با دیپلماسی فعال، نیروهای مقاومت دمشق را تضعیف نموده و بتواند با رنج کمتری شهر را به تصرف درآورد. شروع مجدد تهدیدات صلیبیان با جنگ دوم صلیبی و محاصره دمشق در سال ۵۴۲ موجب گرایش دمشق به حاکم سیاس زنگی شد. تصرف عسقلان در سال ۵۴۸ (رانیسمن، ۱۳۸۶: ۲/۳۹۳) هم مصر را در شرف سقوط قرار داد و هم دمشق را در محاصره صلیبیان درآورد. بدین ترتیب از زمان به قدرت رسیدن نورالدین در سال ۵۴۱، صلیبیان مجدداً به عنصر ناامن‌کننده برای دمشق تبدیل شدند. با تصرف عسقلان، حالتی که برای حلب در سال ۵۰۸-

۵۱۸ پدید آمد برای دمشق نیز ایجاد شد. ترس از صلیبیان سبب گرایش آن‌ها به منجی ای از حلب شد. بدین ترتیب نورالدین توانست بدون خونریزی شهر را در سال ۵۴۹ تصرف نماید. (طباخ، ۱۴۰۸: ۲/۲۵. ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۷/۲۹۹. ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۴۸۶)

غارها و بیماری‌ها

به‌طورکلی آنچه در منش نظامی صلیبیان بود، پرهیز از درگیری‌های گسترده با مسلمانان بود. آن‌ها به دلیل تعداد اندک با نظم خاصی اقدام به تهدید مناطق اسلامی نمودند. از این رو پس از هر نبرد موفقیت آمیز مسلمانان در برابر صلیبیان که منجر به کشته شدن صلیبیان یا غارت سرزمین‌های آن‌ها می‌شد، یا تمایل به صلح از سوی آن‌ها افزایش می‌یافت یا تا مدتی از غارات و حملات آن‌ها در سرزمین‌های اسلامی در منابع خبری نیست.

عمده تهدیدات دمشق از سوی صلیبیان متوجه غارت شهرهای غذایی آن مانند رفینه و حوران است. تا زمانی که صلیبیان در پی تصرف سواحل هستند، گزارش اندکی از غارت‌های صلیبیان در مناطق تحت تسلط دمشق است. به روایت ابن قلانسی تا پیش از حملات منسجم عمادالدین به دمشق ۴۵ رویارویی میان صلیبیان و حکومت دمشق رخ داد. از سال ورود صلیبیان به شام تا سال ۵۳۱ تقریباً هر سال یک نبرد میان صلیبیان و حکومت دمشق رخ داده است. اما پراکندگی این نبردها و ماهیت آن‌ها متفاوت است.

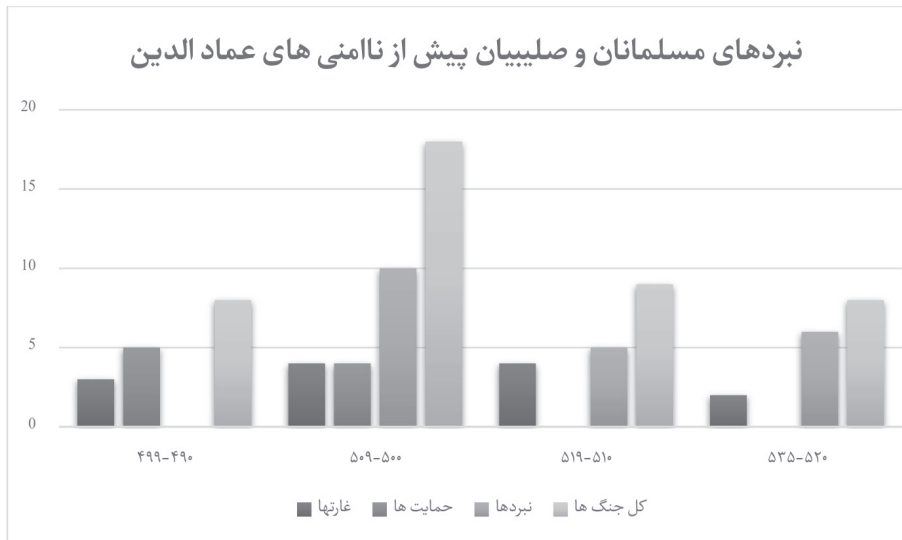
به‌طورکلی می‌توان رویارویی نظامی میان دمشق و صلیبیان را به سه دسته غارت‌ها، حمایت‌ها از سایر مسلمانان و لشکرکشی‌ها تقسیم‌بندی نمود. تفاوت لشکرکشی‌ها با دو مورد پیش‌تر در این است که این نوع از رویارویی با هدف مبارزه با صلیبیان در

محل خاص رخ می‌داد نه غارت منطقه‌ای یا حمایت از شهر یا فرد خاصی.

در ابتدای رویارویی مسلمانان با صلیبیان تمام نوجه نیروی اروپایی بر فتح سواحل و نواحی غرب گسل شام بود. از این رو دمشق از تهدیدات آن‌ها نسبتاً مصون است. در حالی که حلب در مجاورت رها و انطاکیه تجربه مستقیمی از رویارویی با صلیبیان داشته و هر روز ناامنی را تجربه می‌کرد. دمشق در دهه اول ورود صلیبیان بیشتر مشغول حمایت از مسلمانان غرب گسل بود. اما در دهه دوم جنگ‌های صلیبی با تصرف شهرهای مهم ساحل مانند یافا، طرابلس، بیروت، صیدا و... به دست صلیبیان، تقاضای نیروی حمایتی از دمشق نیز کاهش یافت تا این که در دهه سوم جنگ‌های صلیبی هیچ تقاضای کمکی از دمشق صورت نگرفت. در عین حال فتح سرزمین‌های ساحلی، صلیبیان را در همسایگی دمشق قرار داد. بدین تریب غارت سرزمین‌های مسلمانان مهم‌ترین تهدید برای دمشق بود. غارت‌ها به طور مداوم در مناسبات صلیبیان و مسلمانان وجود دارد. از ۱۳ گزارش غارت‌ها، ۱۲ مورد آن تلاش صلیبیان برای غارت مسلمانان دمشق بود. تنها یک مورد از جانب مسلمانان بود. در سال ۵۲۸ شمس الملوک به ناصره، طبریه و عکا حمله کرد. آنقدر این غارات مؤثر بود که باعث میل صلیبیان به صلح شد.^۱ (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۸۵) غیر از آن مسلمانان تنها در ۵ مورد به مقابله با صلیبیان هنگام غارات پرداختند. در سال ۴۹۹ مقابله با غارت با موفقیت همراه بود. در سال ۵۰۰ غارت سواد حوران و جبل عوف از سوی صلیبیان صورت گرفت و مسلمانان در بانیاس مقابله به مثل کردند. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۴۳) در همان سال صلیبیان وادی موسی، مآب، الشراة، الجبال و البلقاء را غارت کرده و سپاه دمشق را شکست دادند. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۵۴) در این نبرد ناتوانی مسلمانان از مقابله با غارت صلیبیان در حوران مشهود بود. در سال ۵۰۳ طغتكین با باج دادن

۱. «فساء هم ذاک وقت فی أعضادهم و انفلت شکتهم و انقصفت شوکتهم و تفرق شملهم و ذلوا و طلبوا تقریر الصلح

به صلیبیان امنیت شهر خود را تأمین کرد. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۶۴) در سال ۵۱۹ صلیبیان حوران را غارت کرده و مسلمانان طبریه را غارت کردند. با تسلط عمادالدین بر شمال شام و لطماتی که به آن‌ها وارد کرد، میزان تاخت و تازهای صلیبیان در اعمال دمشق و جنوب شام نیز کمتر شد. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۳۹)



حکومت دمشق تلاش نمود با غارت‌های صلیبیان مقابله نماید. اگرچه که در بسیاری موارد ناکام بود و مراکز غذایی مهمی چون رفینه و حوران را از دست داد، توانست تا زمانی که عمادالدین صلیبیان را تضعیف کند خود را محافظت نماید؛ از این رو غارت‌ها تأثیری مخربی را که بر حلب داشتند بر دمشق برجا نگذاشتند.

گزارشاتی که ابن قلانسی از قحطی‌ها و بیماری‌های دمشق ارائه می‌دهد به مراتب کمتر از گزارشان ابن عدیم در مورد قحطی‌های حلب است. این در حالی است که ابن قلانسی شاهد عینی این وقایع است و ابن عدیم حدود یک قرن بعد اقدام به نوشتن وقایع نمود. از این رو اخبار ابن قلانسی دسته اول‌تر محسوب می‌گردد. با این

نکته را در نظر داشت که گزارش‌های ابن عدیم در مورد قحطی‌ها با قرائن و رد‌های دیگری مانند همخوانی زمانی با غارت‌ها تایید می‌شود. غالب قحطی‌ها و در پی آن بیماری‌های هم‌هنگامی که ابن عدیم ذکر می‌کند - بدون ذکر علت و معلولی در متن روایت - پس از جنگ‌ها و غارت‌ها رخ می‌دهند. از این رو می‌توان اخبار ابن عدیم را در آزمون وکاوای متن صحیح ارزیابی کرد. (ر.ک.: ۲۰۲۰، Mohamadi, Khakrand, ۲۰-۳) حال در مورد دمشق نیز باید توجه داشت که این شهر توانست تا دیرهنگام ارتباط خود را با سواحل حفظ نماید. این ارتباط از جهتی که می‌توانست دمشق را از غلات مصر به صورت سریع بهره‌مند کند اهمیت زیادی داشت. غیر از آن نیز ارتباط دمشق با مصر تقریباً تا سال ۵۴۸ (سال تصرف عسقلان به دست صلیبیان) از طریق خشکی برقرار بود. از این رو است که در تاریخ دمشق گزارش‌هایی وجود دارد که با ورود کالاهای مصری قیمت‌ها ارزان شده و مردم از رنج رها شدند. «فصلحت بما وصل من الاسطول من الغلة و رخص الأسعار». (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۳۱) بدین ترتیب محاصره نبودن دمشق بحران غذایی مانند بحران حلب را برایش ایجاد نکرد. نکته مهم دیگر آن است که دمشق جنگ‌های زیادی برای محافظت از منابع غذایی خود مانند شهرهای حوران، بصری، رفینه و... را متحمل شد. طغتكین و جانشینان وی تلاش زیادی در این باره انجام دادند تا بتوانند محصولات خود را حفظ نمایند؛ و حتی صلح سال ۵۰۲ با صلیبیان نیز برای تأمین امنیت این انبارهای غذایی بود که اتلپته هر دوی این صلح‌ها با عهد شکنی صلیبیان ناکام ماند. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۶۰) این در حالی بود که رضوان تقریباً اقدامی برای تأمین امنیت انبارهای غذای خود مانند اثارب انجام نداد.

با این حال در روایات ابن قلانسی در سال‌های ۵۴۳، ۵۴۸ و ۵۴۹ سخنانی از قحطی به میان آمده است. (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۴۶۲، ۴۹۴-۴۹۹، ۵۰۴) قحطی ۵۴۳ مربوط به

محاصره دمشق به دست صلیبیان است که درختان غوطه و اطراف دمشق را بریده و شهر را در وضعیت بحران غذایی قرار دادند. دو مورد آخر نیز مربوط به بحران‌های مدیریتی مجیرالدین ابق است. از این رو دمشق توانست مسئله مهم غذا را در تأمین امنیت خود را به خوبی مدیریت کرده و این گونه بتواند سال‌های بیشتری مستقل حکومت کند. قحطی سال ۵۱۹ نیز قحطی سراسری در شام بود (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۳۸) اما آسیبی که حلب از این قحطی دید به مراتب بیشتر از دمشق بود.

نتیجه

دمشق و حلب در قبال حکومت اتابکان زنگی رفتار واحدی داشتند. هر دوی آن‌ها از زنگیان استقبال کردند، اما عمده‌ترین تفاوت رفتار آن‌ها در زمان پذیرش اتابکان زنگی بود. حلب به دلیل بی‌ثباتی داخلی، جنگ‌های متعدد با حکومت‌ها مسلمان و پس از آن صلیبیان، غارت‌های مکرر و قحطی و بیماری به شدت ضعیف شد؛ از این رو از اواسط دهه دوم قرن ششم از هر حکومت مسلمانی که بتواند امنیت را برای شهر به ارمغان آورد استقبال نمود. در برابر آن دمشق در سایه تدبیر اتابکان آن از ثبات و امنیت کافی برخوردار بود. صلیبیان دمشق را تضعیف کردند، اما شرایط برای آن به اندازه حلب دشوار نشد که از عمادالدین زنگی استقبال نماید. روند افزایش ناامنی برای دمشق از زمانی شروع شد که عمادالدین شروع به تهدید و تضعیف دمشق کرد. هرچند او توانست دمشق را تحت تسلط خود درآورد، تضعیف قوای دمشق در برابر نخستین امیر زنگی سبب شد صلیبیان همچون ۵۰ سال گذشته در شمال شام، برای دمشق به تهدیدی جدی تبدیل شوند. همین امر سبب شد تا پس از مرگ عمادالدین، نورالدین محمود، منتظر شد تا در اثر حملات صلیبیان دمشق خود پذیرای زنگیان شود. محاصره دمشق در جنگ‌های صلیبی دوم و کمی بعد فتح عسقلان دمشق را در وضعیتی قرار داد که مانند حلب از امیر جنگجوی زنگی استقبال کند. در این زمان،

با مسدود شدن راه‌های ارتباطی دمشق با مصر و افزایش حملات صلیبیان، سبب شد تا مردم دمشق از امیر جنگجوی زنگی برای تسلط بر شهرشان استقبال نمایند. بدین ترتیب ناامنی که ۵۰ سال قبل مردم حلب را مجبور به پذیرش حکومت زنگیان نمود، در نیمه قرن ششم، دمشق را وادار به استقبال از حکومت زنگیان کرد.

منابع

۱. ابن اثیر جززی، ع. (۱۹۶۵). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر
۲. ابن تغری بردی، أ. (بی تا). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة. قاهره: وزارة الثقافة والإرشاد القومي، دار الکتب.
۳. ابن عبدالحق بغدادی، ص. (۱۴۱۲). مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنة و البقاع، بیروت: دار الجیل.
۴. ابن عدیم، ع. (۱۴۲۵). زبدة الحلب من تاریخ حلب. سهیل زکار، دمشق: دار الکتب العربی.
۵. ابن عدیم، ع (بی تا). بغیة الطلب فی تاریخ حلب. تحقیق سهیل زکار. بیروت: دار الفکر.
۶. ابن عساکر، ع.، (۱۴۱۵). تاریخ مدینه الدمشق، تصحیح علی شیری، بیروت: دار الفکر.
۷. ابن قلانسی، (۱۹۸۳). تاریخ دمشق لابن القلانسی / تحقیق سهیل زکار، دمشق: دار حسان للطباعة والنشر.
۸. ابن واصل، ج. (۱۳۸۳). تاریخ ایوبیان. ترجمه پرویز اتابکی. تهران: علمی و فرهنگی.
۹. ابی شامه، ش. (۱۹۹۱). عیون الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة و الصلاحیه. تصحیح ابراهیم الزبیتق، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۰. بروسوی، م. (۱۴۲۷). أوضح المسالک إلى معرفة البلدان و الممالک. مصحح مهدی عبدالرواضیه. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۱۱. بنداری اصفهانی، ف. (۲۵۳۶). تاریخ سلسله سلجوقی. مترجم محمد حسین جلیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. پاکتچی، ا. (۱۳۹۱). روش شناسی تاریخ، تهران: دانشگاه امام صادق.
۱۳. جنیدی، م. (۱۹۹۴). تاریخ معرة النعمان. مصحح: عمر رضا کحاله. دمشق: منشورات وزارة الثقافة.
۱۴. حازمی، م. (بی تا). الأماكن او ما اتفق لفظه و افترق مسماه من الامکنة. بی جا. بی نا.
۱۵. خاکرند، ش. و محمدی، م. (زمستان ۱۳۹۵) «تبیین آماری جنگ‌های اتابکان زنگی از سال ۵۲۱ تا ۵۶۹ هجری قمری». تاریخ اسلام. سال هفدهم. شماره ۴ (پیاپی ۶۸). صص

۱۹۳-۲۳۳

۱۶. خاکرند، ش. و محمدی، م. (بهار ۱۳۹۵). «بررسی آماری رابطه بین تعدد واحدهای قدرت شامات و ثبات سیاسی در منطقه از سال ۴۷۱ تا ۵۶۹ ق». فصلنامه پژوهشنامه تاریخ اسلام. سال ششم. شماره ۲۱. صص ۷-۳۴.
۱۷. درش، ژ. (۱۳۷۳). جغرافیای نواحی خشک (بیابان‌ها و استپ‌ها). ترجمه شه‌ریار خالدی، تهران: قومس.
۱۸. رانیسمان، ا. (۱۳۸۶). تاریخ جنگ‌های صلیبی. ترجمه منوچهر کاشف. تهران: علمی فرهنگی.
۱۹. زکار، س. (۲۰۰۷). تاریخ دمشق. دمشق: التکوین.
۲۰. زکار، س. (۱۹۹۵). الموسوعه الشامیه فی الحروب الصلیبیه. دمشق: دارالفکر.
۲۱. زمانی محجوب ح، بادکوبه هزاه، ا. (۱۳۹۱). «بررسی وضعیت شیعیان در حلب عهد بنی مرداس». فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام. شماره ۱۴، صص ۹۳-۱۱۰.
۲۲. زنگی، ج. (۱۹۹۳). اماره دمشق فی المرحله الجهاد المبکره للحروب الصلیبیه ۴۸۸-۵۴۹ ه. کویت: [بی‌نا].
۲۳. سبط ابن عجمی، ا. (۱۴۱۷). کنوز الذهب فی تاریخ حلب. حلب: دارالقلم.
۲۴. سمعانی، ع. (۱۹۶۲). الأنساب. تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی. حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
۲۵. شنقیطی، م. م. (۲۰۱۶). اثر الحربو الصلیبیه علی العلاقات السنیه الشیعیه. بیروت: الشبکه العربیه للابحاث و النشر.
۲۶. ضامن، م. (۱۹۸۸). «دراسات التاریخیه، من تاریخ الحلب حکم قسیم الدوله آق سنقر ۴۷۹-۴۸۷ ق / ۱۰۸۶-۱۰۹۴ م». شماره ۲۹ و ۳۰ ماه. آذار- حزیران.
۲۷. طبایح، م. (۱۴۰۸). اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء. حلب: دارالقلم.
۲۸. الغزی، ک. (۱۴۱۹). نهر الذهب فی تاریخ حلب. حلب: دارالقلم.
۲۹. قزوینی، ز. (۱۹۹۸). آثار البلاد و اخبار العباد. بیروت: دارالصادر.
۳۰. کرد علی، م. (۱۴۰۳). خطط الشام. بیروت: مکتبه النوری.
۳۱. کاهن، ک. (۱۳۹۲). شرق و غرب در روزگار جنگ‌های صلیبی. ترجمه عبدالله ناصری

طاهری. قم: حوزه و دانشگاه.

۳۲. محمدی قناتغستانی، مهدی. (بهار و تابستان ۱۳۹۳). «بررسی نسبت تعداد حکومت‌های شام با میزان پیروزی مسلمانان در جنگ‌های صلیبی از سال ۴۹۰ تا ۵۶۹ ق». تاریخ در آئینه پژوهش. سال یازدهم شماره ۱ (پیاپی ۳۶)، صص ۷۳-۹۴.

۳۳. مقدسی. (۱۳۶۳). أحسن التقاسیم. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.

۳۴. مقریزی، أ. (بی‌تا). اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء. تحقیق محمد حلمی محمد أحمد. قاهره: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية. لجنة إحياء التراث الإسلامي.

۳۵. مودت، ل. (بهار و تابستان ۱۳۹۷). «حوزه شیعی حلب؛ حلقه گمشده فرهنگی در شام». مطالعات تاریخی جهان اسلام. شماره ۱۱. صص ۷۹-۱۰۸.

۳۶. مودت، ل. (بهار و تابستان ۱۳۹۷). «نقش احداث در تحولات سیاسی حلب در سده‌های پنجم و ششم هجری». تاریخ و فرهنگ. شماره ۱۰۰. صص ۵۱-۶۶.

۳۷. یاقوت حموی. (۱۳۸۰). معجم البلدان. ترجمه علینقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

38. Mohamadi, M. Khakrand, S. (2020). "The Impact of War, Famine, and Disease on Insecurity in Northern Sham From 488 to 521 / 1095 to 1127 - A Statistical Survey". Journal of Research on History of Medicine, 9(1), 3-20.